

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

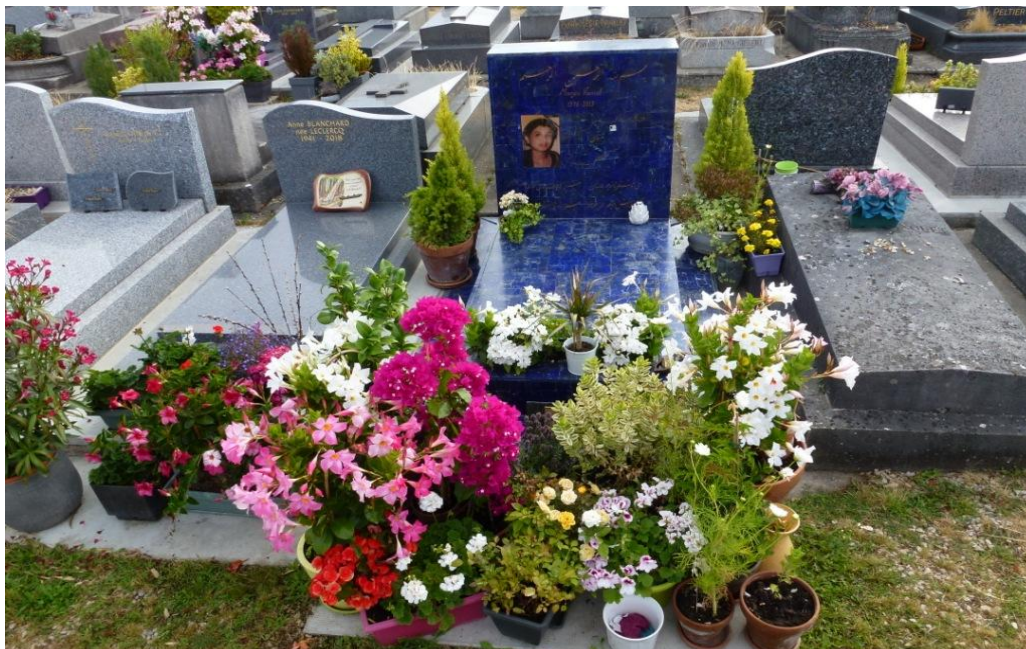
شنبه ۰۵ اکتوبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی مترجم: فریده نوری

قسمت بیستم

بسیار در دل آمد از اندیشه ها و رفت
نقشی که آن نمی رود از دل نشان توست



فصل دوم (Chapitre II)

عبور به اغتشاش علیه دولت

جمع شدن یک ائتلاف وسیع از مبارزان تحت بیرق جهاد، نمایندگی از یک عمل دسته جمعی دفاع از اسلام و دادن مشروعیت به خشونت مسلحانه می کند.

مداخله سیاسی و نظامی جامعه بین المللی در افغانستان در اخیر سال 2001 میلادی، مطابقت می کند به یک چرخش سیاسی و نظامی عمده و مهم، که منشاء دگرگونی و ترکیب دوباره اقتدار محلات گردید.

بعضی از دوره های تاریخ شاهد عملیه های اند که در آن درگیری های بزرگ و مدهش، سبب شگوفائی جنبش های اجتماعی، برخواسته از درگیری ها بوده است.

اگر شرایط خاصی که سبب انکشاف درگیری ها گردیده و زمینه اغتشاش را مساعد می سازد، شناخته شود، درگیری ها به افراد و گروپ ها اجازه می دهد که در هنگام رویداد های مختلف، همه با هم یکجا گردیده و یک عمل مشترک را انجام دهند.

موضوع بحث این فصل (chapitre) در مورد پیامد های تغییر و تبدیل محیط سیاسی منطقه و محل بالای تحریک طالب ها و تحلیل و انالیز بالای متشکل گردیدن دوباره این جنبش می باشد.

شروع درگیری ها:

با راه اندازی آزادی تغییر ناپذیر «Liberté immuable» «Enduring freedom» توسط اضلاع متحده امریکا به تاریخ هفتم اکتوبر 2001 میلادی، سبب شد امارت اسلامی افغانستان سقوط کند.

عملیات آزادی تغییر ناپذیر چندین بخش را در بر داشت، که از مکانیزم های مختلف جنگ تمام عیار علیه تروریسم (Global War on terror) برخوردار بود که توسط اضلاع متحده امریکا جهت انتقام گیری از حملات یازدهم سپتامبر 2001 میلادی اعلان گردید. این عملیات آزادی تغییر ناپذیر بالای افغانستان، فلیپین، در صحرا، جیورجی (Géorgie) و قزاقستان و قرغیزستان (Kirghizstan) به وقوع پیوست. این عملیات ها در شروع به نام عدالت بی پایان (Justice infinite) نامیده شد و بعداً به نام آزادی تغییر ناپذیر برای جلوگیری از جریحه دار ساختن احساسات و افکار عامه ممالک اسلامی نامیده شد.

عملیات در چوکات همکاری های بین المللی به وقوع پیوست. انگلستان در حملات اول هوایی اشتراک نمود، فرانسه کمک های تجهیزاتی و لوژیستیکی نمود، ممالک گلف پایگاه های نظامی هوایی و بحری در دسترس شان گذاشت، آلمان، هالند، جاپان، استرالیا، کانادا و پاکستان همه به عناوین مختلف اشتراک نمودند.

عملیات در پایتخت افغانستان- کابل به تاریخ سیزدهم نوامبر 2001 میلادی صورت گرفت، آخرین فرد رژیم طالب ها به تاریخ ششم دسامبر 2001 میلادی شهر قندهار را ترک نمود. اولین

حمله هوایی نظر به اظهارات رئیس دولت امریکا به منظور ویران نمودن لانه ها و پناهگاه های القاعده و تخریب کمپ ها و زیربنا های تمرینات شان، از یک طرف و دستگیری اعضای بلند پایه و اساسی آن ها از طرف دیگر راه اندازی شد.

به تعقیب مداخله سیاسی و نظامی جامعه بین المللی در افغانستان، در شروع شبکه القاعده و همچنان طالبان پاکستانی و طالبان افغان در مناطق قبایلی پاکستان تجمع نمودند. بسیج شدن مقدماتی برای اغتشاش توسط نزدیکان ملا محمد عمر که در ولایت سرحدی شمال - غرب پاکستان دور هم جمع شده بودند، گرفته شد. در قدم اول جلب و جذب از شاگردان مدارس دیوبندی، که تعداد این مدارس از سال های 1980 میلادی در منطقه بسیار زیاد شده بود، شروع گردید.

به این ترتیب، نظر به ترکیب فرماندهی و منشاء اجتماعی این افراد تازه جذب شده، جنبش نو، و به راه افتادن یک جهاد جدید، از نقطه نظر شیوه و روش به جهاد تاریخی ارتباط دارد.

ترکیب دوباره جنبش:

مجالس متعدد به سرکردگی ملا دادالله به هدف اعلان شروع دشمنی و اغتشاش و تقسیم نمودن وظایف هر شخص برگزار گردید. که با سرازیر شدن منابع جدید تجهیزات و لوژیستک همراه بود.

در مرحله دوم در ماه سپتامبر 2002 میلادی، مبارزان به فعالیت هایی از قبیل پروپاگند و جلب و جذب افراد در مناطق قبایلی پاکستان و همچنین در قریه جات افغانستان و ساختن اولین پایگاه های تمرینات در پاکستان مبادرت ورزیدند. مراحل بعدی که عبارت از گرفتن تصمیم برای آغاز به راه انداختن یک جهاد تازه می باشد، خوب شناخته نشده است، اما تمام منابع گرفتن تصمیم را به رهبری تحریک طالبان افغان نسبت می دهند.

پناهگاه پاکستانی:

در شروع سال 2002 میلادی اکثر قومندان های نزدیک به ملا محمد عمر با اطرافیان خود در مورد شروع اغتشاش علیه حضور نظامی غربی ها در افغانستان مشورت می نمایند، این مشوره ها شکل یک جرگه را اختیار می کند. روایات مختلف در مورد قومندان های که در تصمیم گیری به راه انداختن درگیری رول داشتند، موجود است. اما به صورت مسلم تصمیم توسط قومندان های نزدیک به ملا محمد عمر، مخصوصاً ملا برادر و قومندان دادالله گرفته شده است. اعتراضات علیه نظامیان خارجی در افغانستان در مناطق قبایلی پاکستان سبب تشکیل یک جنبش در بین افراد

20 - 25 ساله مدارس دیوبندی ولایت سرحدی شمال غربی پاکستان گردید، که دارای عین فرهنگ سیاسی، مانند فرهنگ سیاسی دوران جهاد علیه شوروی ها بودند.

در ماه مارچ 2002 میلادی، ملا محمد عمر اعلان جهاد علیه حضور نظامیان خارجی (کافران) و رژیم منافق که توسط آن ها حمایت می شود، را داد و هم چنان اعلان ایجاد شورای کویته را نیز نمود.

به جنبش طالبان افغان (د افغانانو د طالبانو تحریک ATT) به زودی حزب اسلامی به سرکردگی مولوی خالص که یک جناح حزب اسلامی می باشد، و جلال الدین حقانی می پیوندند.

مولوی محمد یونس خالص در سال 1298 شمسی مطابق به 1919 میلادی در قریه گندمک ولسوالی خوگیانی در ولایت ننگرهار تولد گردیده است. یک قسمت از تحصیلات خود را در صوبه سرحد پاکستان نمود، و بعداً به فراگیری علوم دینی پرداخت. اولاً استاد در دارالقضاء، بعداً در ریاست مطبوعات مشغول کار شد. مدتی هم مدیر مسئول جریده "پیام حق" و جریده "ورانکی" بود. با روی کار آمدن جمهوری داوود خان به مناطق سرحدی پاکستان فرار کرد. در شروع معاون حکمتیار بود، بعداً انشعاب نمود و یک شاخه دیگر حزب اسلامی را ساخت. در زمان حکومت حضرت صبغت الله مجددی و برهان الدین ربانی به صفت وزیر شامل کابینه شد. اما در جنگ های داخلی سهم نداشت. وی زیادتیر با افکار طالبانی نزدیک بود و به آنان پیوست. در سال 1385 شمسی مطابق به 2006 میلادی وفات نمود. بعد از فوت وی پسرش انورالحق رهبری یک تشکیل نو به نام «جبهه نظامی توره بوره» را به دست گرفت.

شخصیت های مختلف مربوط به اغتشاش که تشکیلات مختلف را رهبری می کردند به جبهه پیوستند، بر علاوه هر کدام از این تشکیلات دارای متحدین منحصر به خود شان در بین نجات یافتگان، در شبکه های عرب القاعده و شبکه هایی پاکستانی، که به طرف پاکستان بعد از عملیات آزادی بی برگشت فرار نمودند، بودند.

از سال 2003 میلادی گسترش و توسعه اغتشاش از نظر جغرافیایی تمامی پروژه های احیاء دوباره دولت و انکشاف کشور را به مخاطره انداخت.

بعد از تحمیل شدن ناکامی نظامی در مرتبه اول، امارت اسلامی افغانستان فرصت دوباره پیدا نمود تا به یک شکل جدید جهاد که عبارت از جهاد دفاع ملی می باشد، رابطه خود را با حمایت گران خارجی شان محکم نموده و با رزمندگان جدید ائتلاف نمودند. این تشکیل دوباره یک تغییرات عمیق در جنبش آورد، که با سه نوع نو آوری بزرگ خود را ظاهر ساخت:

مطابقت دادن با یک فهرست نو مبارزات، اتخاذ نمودن یک ستراتیژی جدید، اطلاعات و خبر رسانی با وسایل ارتباطی.

ولایت سرحدی شمال غرب پاکستان از زمان جهاد علیه شوروی ها در سال های 1980 میلادی تغییرات عمیق در زمینه دینامیک سیاسی، اجتماعی و همچنان فرهنگ سیاسی را شناخت. نتایج آن تا امروز نه تنها به سطح ملی بالای ائتلافات مختلف بازیگران ساحه سیاسی افغان ها و پاکستانی ها، بلکه بالای روابط قوت های منطقی نیز منعکس می گردد.

نتایج جا گرفتن نزدیک به دو ملیون افغان پناهنده در این ولایت سرحدی شمال غرب پاکستان، مخصوصاً با بروز یک فرهنگ سیاسی نو فراملتی که توسط اعضای اولی تحریک طالبان در نیمه دوم سالهای 1990 میلادی نقش زیاد بازی کرد.

پیشبرد حمله نظامی توسط امریکا و شناسایی شبکه های جنگجویان افغان، پاکستانی و عرب در منطقه قبایلی، منشاء تغییر جهت دادن تمام مناطق بر یک عملیه سیاسی و اجتماعی که دلایل عمیق خود را از ایجاد تغییرات اجتماعی که در سال های 1980 میلادی آغاز گردیده بود، می گیرد. مداخله ائتلاف بین المللی در افغانستان، قبل از عراق که در سال 2003 میلادی صورت گرفت، عواقب بزرگ بالای جهاد افغانستان داشت که قبلاً وجود داشت و بعداً به جهاد فراملتی تبدیل گردید.

ادامه دارد